



زمستان

● مرضیه تاجری

زمستانِ خوش حال
زمستانِ پر حرف
می آید بریزد
به هر جا کمی برف

می آید که او را
بینم از ایوان
بگیرم دوتا عکس
کنار زمستان



به این شعر گوش بده. ▲



هدیه

● زهرا عراقی

بابایی و من
مشغول بودیم
در روز مادر

تا که بگیریم
امسال جشنی
یک جور دیگر

یک دیس کوکو
پختیم کم کم
همراه بابا

کردیم تزئین
با چند زیتون
اطراف آن را

وقتی که مامان
آمد به خانه
وقت غذا بود

این شام خوش بو
یک هدیه‌ی خوب
از ما دو تا بود



من و بابا

● مریم زرنشان

پدر پایش شکسته
نشسته توی خانه
گمانم درد دارد
که می‌گیرد بهانه

عصای چوبی‌اش را
کنار او نشاندم
برایش قصه گفتم
دو تا هم شعر خواندم



سایه‌سازی

● مریم مهرآبادی

خورشید، امروز
از پشت شیشه
سرزد به خانه
مثل همیشه

او سایه‌ام را
بر فرش انداخت
با نورش از من
یک شکل نو ساخت

از ظهر تا عصر
کردیم بازی
سرگرم بودیم
با سایه‌سازی



▲ به این شعر گوش بده.

● تصویرگر: فریبا اصلی

